



سال ششم، شماره ۴، پیاپی ۲۱ زمستان ۱۴۰۲

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2783-4166

واکاوی تطبیقی مردم‌شناسی فرهنگی در منظومه بهرام و گلندام در ادب کلاسیک

فارسی و ادبیات عامیانه کردی

دکتر ندا یانس^۱، دکتر ابراهیم رجبی زنگنه^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۷۶ تا ص ۹۲)



چکیده

بدیهی است که منظومه‌های غنایی شعر فارسی در نوع خود بیش‌ترین الگوهای فرهنگی و نشانه‌های تمدن را بازنمایی می‌کنند. بررسی این داستان‌ها از دیدگاه مردم‌شناسی فرهنگی (که پایه‌های اصلی آن فرهنگ عامه است)، نگرشی نو به آن‌هاست و پژوهشگران را با دو گزینه آشنا می‌سازد: یکی بررسی فرهنگ مردم در محتوای داستان‌ها و دیگر تأثیرگذاری فرهنگی راوی است. با توجه به فرهنگی که در آن پرورده شده است و این در تمامی داستان‌هایی که راویان مختلف دارند، صدق می‌کند. در این پژوهش که دانستنی‌های مختلف ادبی و فرهنگی نهفته در ادب عامه کردی «بیت» در مقابل با منظومه‌های ادب کلاسیک فارسی مقایسه و بررسی شود، به‌ویژه آن‌جا که ساختار و محتوای این آثار با اصول داستان‌سرایی مطابقت داشته باشد، می‌تواند در بخش مطالعات مردم‌شناسی فرهنگی کار ارزنده‌ای باشد. این پژوهش به توصیف و تحلیل مولفه‌های فرهنگی از دیدگاه مردم‌شناسی در منظومه «بهرام و گلندام» در ادب کلاسیک فارسی و ادب عامیانه کردی به روایت مام احمد لطفی پرداخته است. برای دستیابی به این هدف از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است بیشتر مولفه‌های مردم‌شناسی در

^۱ . دانشجوی پسادکتری، دانشگاه رازی، ایران، کرمانشاه (نویسنده مسئول). Neda.yans.2016@gmail.com

^۲ . دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، ایران، کرمانشاه.



این منظومه نمود پیدا کرده است و میزان شباهت‌ها نسبت به تفاوت‌ها بیشتر است و این نشان‌دهنده بینامتنیت بین منظومه فارسی و کُردی است. دیگر آن‌که روایت‌های کُردی داستان، هرچند در کلیات، مضمون و مفهوم، مطابق با روایت‌های فارسی هم نام مذکور است، اما هم در قالب و فرم و هم در محتوا به ویژه تغییرات و تحولات فرهنگ عرفانی، حماسی و غنایی در دوره‌های گوناگون است.

واژه‌های کلیدی: مردم‌شناسی فرهنگی، ادبیات فارسی، ادبیات کُردی، منظومه بهرام و گلندام.

مقدمه

مردم‌شناسی از جمله علوم اجتماعی عام است که به علم مطالعه زندگی انسان در مراحل ابتدایی تعریف شده است و جنبه‌های گوناگون انسان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی را مورد توجه قرار می‌دهد.

مطالعات مردم‌شناسی از دیرباز بوده و هست اما آنچه مردم‌شناسی کنونی را از دیدگاه‌های کهن جدا می‌سازد و میان این دو مرز می‌کشد، همان روش تحقیق علمی به شیوه نوین است. مردم‌شناسی علم است و از این رو قادر به تبیین و پیش‌بینی و کنترل روابط پایدار بین نمودهای حوزه فرهنگ انسانی با جامعه بشری است.

با توجه به اهمیتی که مردم‌شناسی دارد، اینک به صورت یک رشته معتبر دانشگاهی درآمده است. محققان زیادی نیز در عصر کنونی در ایران هم‌چون محمود روح‌الامینی، که به پدر علم مردم‌شناسی شناخته شده است، با تألیف کتاب «گردشهر با چراغ» و علی‌اکبر ترابی با نوشتن کتابی با عنوان «مردم‌شناسی» باعث اعتلای این علم شدند.

مردم‌شناسی به شاخه‌هایی چون: مردم‌شناسی جسمانی، مردم‌شناسی فرهنگی، مردم‌شناسی فلسفی و غیره تقسیم می‌شود.

در مردم‌شناسی فرهنگی از موضوعات مختلف بحث می‌شود و یکی از مهم‌ترین مباحث آن مردم‌شناسی فرهنگ عامه است. ایل‌شناسی، مسائل دینی و آیینی، اسطوره‌ها و افسانه‌ها، ادبیات شفاهی و موضوعاتی چون آداب و رسوم، پوشاک، هنر و مثل‌ها و غیره از برجسته‌ترین مباحث شواهد تحقیق است که جنبه‌ی فولکلوریک دارند.

با توجه به بررسی تطبیقی ادب کُردی و فارسی، به گونه‌های مشابه در ادب کُردی در این پژوهش توجه شده است. در میان آثار فولکلوریک زبان کُردی داستان‌هایی وجود دارد که این داستان‌ها را بیت می‌خوانند که با سبک و شیوه خاصی از طرف گویندگانی خوش‌ذوق و هنرمند به نام «بیت‌خوان» سروده شده‌اند.



با این توصیف می‌توان گفت با در نظر گرفتن اشتراکات فرهنگی، مردم‌شناسی فرهنگی به عنوان یکی از نقاط مشترک در منظومه‌های فارسی و کردی جای بحث و بررسی دارد به ویژه در آثاری که در هر دو حوزه مشترک هستند. بنابراین در این پژوهش منظومه‌ی هم‌نام و هم‌محتوا «بهرام و گلندام» برای بررسی انتخاب شده است.

با توجه به این‌که مردم‌شناسی فرهنگی در منظومه «بهرام و گلندام» تاکنون انجام نشده است، نگارنده در این تحقیق به بررسی مردم‌شناسی فرهنگی در این منظومه پرداخته است.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

از دیدگاه مردم‌شناسی فرهنگی و با رویکرد فرهنگی نگرستن به منظومه‌های عاشقانه کلاسیک فارسی و هم‌نام با منظومه‌های عامیانه کردی در دو زبان می‌تواند جذابیت، نکات بدیع و بکر فرهنگی و مباحث مهم اما نادیده گرفته شده و پنهان از نظر نقادان و صاحبان فن را همراه خود داشته باشد. به گونه‌ای که فرهنگ باوسعت بی‌کران و فراگیر خود تمامی جلوه‌های زندگی و آداب و رسوم جوامع پیشین را می‌تواند بازتاب دهد و معمولاً با توجه به این‌که ادبیات کلاسیک داستانی به‌ویژه عاشقانه نشأت گرفته از ادب عامیانه است، لذا ضرورت انجام تحقیق را برای یافتن جلوه‌های نادر و فراموش شده و بعضاً سینه‌به‌سینه حفظ شده فرهنگی را برای پژوهشگر صحنه می‌گذارد.

۳- اهداف تحقیق

۱- توصیف مولفه‌های مردم‌شناسی فرهنگی در منظومه «بهرام و گلندام» در ادب کلاسیک فارسی و ادب عامیانه کردی.

۲- تعیین چگونگی شباهت‌ها و تفاوت‌ها فرهنگی در منظومه «بهرام و گلندام» در ادب کلاسیک فارسی و ادب عامیانه کردی.

۳- تحلیل دلایل شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی در منظومه «بهرام و گلندام» در ادب کلاسیک فارسی و ادب عامیانه کردی.

۴- پیشینه تحقیق

با جستجوهای انجام گرفته در سایت مرکز اطلاعات و پژوهش‌های علمی ایران، پایان‌نامه و مقاله‌ای با این عنوان یافت نشد، اما پژوهش‌هایی در این رابطه کار شده که با عنوان پیشنهادی متفاوت هستند.



۱- حسین پور، نسرين، (۱۳۹۶)، تصحيح، بررسی، تحلیل منظومه‌های فارسی مهر و وفا، پایان‌نامه، دانشگاه تربیت مدرس، کارشناسی ارشد. در این پژوهش مهر و وفای فیاضی اردبیلی، مهر و وفای میرمحمد مومن عرشی، مهر و وفای هروی معمایی و مثنوی مهر و وفای بی‌مولف تصحیح شده‌اند.

۲- مسگری، منیره، (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی بهرام و گلندام امین‌الدین صافی با روایت منظوم در ادب فولکلور گردی، پایان‌نامه، دانشگاه آزاد واحد مهاباد، کارشناسی ارشد. در این پژوهش نگارنده با تطبیق و بررسی دو روایت داستانی منظوم تا حدودی براساس مقایسه عناصر داستانی کار کرده است.

۳- پاکزاد، مه‌ری، (۱۳۹۶)، مقایسه دو روایت از قصه مهر و وفا در ادب عامیانه گردی با روایت فارسی شعوری کاشانی، مقاله، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه. در آن نگارنده ضمن معرفی روایت قصه‌های مذکور به تفاوت‌ها و شباهت‌هایی از آن دو منظومه اشاراتی نموده است.

۴- حسن‌زاده، فرزاد، (۱۳۹۰)، معرفی عاشقانه‌های ادب گردی کرمانجی، پایان‌نامه، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. در این پایان‌نامه به سیر منظومه‌سرایی کرمانجی و فارسی و ساختار بیت‌ها و داستان‌های عاشقانه و بررسی سبک شعر در عاشقانه‌های کرمانجی پرداخته شده است.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- مردم‌شناسی

از واژه مردم‌شناسی تعاریف و توصیف‌های گوناگونی شده و فرهنگ‌های مختلف به شیوه‌های متنوعی از آن بهره‌برداری شده است. در زبان فارسی مردم‌شناسی، ترجمه آنتروپولوژی است که از واژه یونانی *unlhropos* به معنای انسان، مردم و ... به معنای مطالعه و شناخت ناشی شده است. معنای تحت‌اللفظی آن مطالعه انسان است.» (پوریه، ۱۳۸۴: ۵)

یکی از علوم جدید و جذاب و ضروری علم مردم‌شناسی است. که بیش از صد سال از عمر آن نمی‌گذرد، اما در جامعه ما برخلاف جامعه‌شناسی به حد کفایت مورد توجه قرار نگرفته و دنبال نشده است. البته پیش از ظهور مردم‌شناسی به عنوان یک علم، مورخان، سیاحان، فیلسوفان، و اخلاق‌شناسان درباره مختصات طبیعی و سلوک



اجتماعی و فرهنگی اقوام گوناگون به تأملاتی نظری دست یازیده‌اند و آثاری بس ارجمند پدید آورده‌اند که بیش از دوهزار سال همواره مورد استناد و مراجعه اصحاب تحقیق قرار گرفته است. از این قبیل‌اند هردوت مورخ یونانی که پنج قرن پیش از طلوع عصر مسیح، گزارشی مردم‌شناختی از قوم ایرانی و رسوم اخلاقی آن به دست داده است و ابوریحان بیرونی که در قرن چهارم اسلامی به بررسی فرهنگ مردم هند پرداخته و محصول این پژوهش را در کتاب مشهور خویش به نام «تحقیق درباره هند» ابدیت بخشیده است. (گاربارینو، ۱۳۷۷: ۷)

۲-۲-۲- انواع مردم‌شناسی

در تقسیم‌بندی مردم‌شناسی و انواع آن نظراتی متعدد توسط مردم‌شناسان ارائه شده است. علی‌اکبر ترابی، در تقسیمات مردم‌شناسی بیان می‌دارد که «مردم‌شناسی، ضمن مطالعه در بقایا و آثار انسان‌های نخستین و زندگی جوامع ابتدایی، در راه شناخت انسان و تطورات زیستی و اجتماعی به دو بخش تقسیم می‌شود: مردم‌شناسی طبیعی یا بدنی: که به بررسی و طبقه‌بندی گروه‌های انسانی از لحاظ بدنی و جغرافیایی می‌پردازد. مردم‌شناسی اجتماعی یا فرهنگی: که در شناخت منشأ انسان و سیر جامعه‌های ابتدایی می‌کوشد.» (ترابی، ۱۳۵۲: ۶۲)

۲-۲-۳- مردم‌شناسی فرهنگی

مردم‌شناسی فرهنگی به عنوان یکی از شاخه‌های مردم‌شناسی «تلاش پویای انسان را که به منظور زیستن و به زیستن صورت می‌گیرد، مطمح‌نظر می‌سازد و همه دستاوردهای او را که در عرف علوم اجتماعی فرهنگ نام گرفته است مورد مطالعه و تدقیق قرار می‌دهد. پس کار مردم‌شناسی فرهنگی عمدتاً بررسی ظهور و تحول و تأثیر فرهنگ در زندگی آدمی است. مردم‌شناسی فرهنگی که گاهی مردم‌شناسی اجتماعی نیز خوانده می‌شود در پی آن است تا تنوعات وسیع آداب و رسوم و صورگوناگون حیات اجتماعی را، مخصوصاً در بین مردمی که دارای تکنولوژی ابتدایی هستند، با رورش علمی به تحلیل کشد.» (گاربارینو، ۱۳۷۷: ۸)

۲-۲-۴- فرهنگ عامه (فولکلور) و همبستگی آن با مردم‌شناسی

«در میان رشته‌های مختلف، فولکلور بیشتر با مردم‌شناسی یا انسان‌شناسی فرهنگی یا اجتماعی که به تحقیق نهادها، نظام‌ها، فنون، آداب، سنت‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی دیگر اقوام در جامعه‌های جهان می‌پردازد و زبان‌شناسی



اجتماعی وابسته است. وقتی می‌گوییم که فولکلور جزء و پاره‌ای از فرهنگ است، پس ضرورتاً در سلک موضوعات مورد تحقیق مردم‌شناسی نیز قرار می‌گیرد. هر تحقیق مردم‌نگارانه‌ای که فولکلور یک قوم یا جامعه را در نظر نگیرد و آن را مورد بررسی قرار ندهد، توصیف و تحقیقی ناقص از فرهنگ آن قوم یا جامعه ارائه خواهد داد. مردم‌شناس باید به همان شیوه و روشی که فرهنگ را بررسی می‌کند، فولکلور را نیز تحقیق بکند و برحسب شکل و محتوی و کارکرد و همبستگی‌هایش با زمینه‌های دیگر فرهنگ تحلیل و ارزیابی کند.» (بلوکباشی، ۱۳۹۱: ۶۳)

۳- بحث و بررسی

۳-۱- خلاصه منظومه بهرام و گلندام

پادشاهی بود از قیصران روم، پادشاهی بزرگ و پیره‌دست بود. این پادشاه دختر داشت، اما پسر نداشت. پادشاه به درگاه خدای بی‌نیاز روی آورد و با لابه و زاری از او پسری طلب نمود. خدا دعای او را مستجاب کرده و بدو پسری عطا فرمود. پسرا را بهرام نام نهادند، پادشاه احسان و صدقه بسیار به مستمندان داد. بهرام در عقل و خرد و شجاعت و پهلوانی بی‌مانند بود و به شکار علاقه وافر داشت. روزی بهرام با دوازده هزار سوار به شکار رفت.

در مملکت «خود زه‌مین» پادشاهی بزرگ حکومت می‌کرد و او را عادل شاه نام بود. عادل شاه دختری به نام گل اندام و برادرزاده‌ای به نام «فدا» داشت. آنان در زیبایی شهره آفاق بودند. در حلب پادشاهی به نام منصور شاه بود که عاشق فدا شده بود و...

۳-۲- مقایسه دو منظومه بهرام و گلندام فارسی و کردی

در این قسمت مولفه‌های فرهنگی در این دو منظومه بررسی و مقایسه شده‌اند.

۳-۳- مولفه‌های فرهنگی در منظومه «بهرام و گلندام» امین‌الدین صافی

۳-۳-۱- آداب و وسایل درباری

در داستان بهرام و گلندام امین‌الدین صافی، ابزار و وسایل گوناگونی وجود دارد که با توجه به استفاده و کاربردی که داشته‌اند، در دسته‌بندی‌های زیر قرار می‌گیرد.



داستان بهرام و گلندام یکی از داستان‌های عاشقانه است که در دربار کشور شاه روم و قیصر شاه چین اتفاق افتاده است و شاعر هم شاعر درباری بوده است، بنابراین ابزار و وسایل درباری در این داستان نمود پیدا کرده است.

افسر: «تاج، کلاه پادشاهی» (معین، ۱۳۸۲: ذیل مدخل افسر)

پری بودند لیک از ضرب خنجر ز دیوان تاج می‌بردند و افسر

(صافی، ۱۳۸۶: ۶۶)

تاج: «کلاه جواهرنشان که شاهان در مراسم رسمی بر سر گذارند.» (معین، ۱۳۸۲: ذیل مدخل تاج)

برون حوض تختی بود از عاج نشستہ بود بر آن پیوسته با تاج

(صافی، ۱۳۸۶: ۴۷)

موارد دیگر: سنجق، طبلک، طبل، علم، کوس، نقاره.

ابزار و وسایل بزم

یکی از مولفه‌های فرهنگی قابل بررسی در داستان بهرام و گلندام، ابزار و وسایل بزم است. تأثیر باده‌خواری و خوش‌گذرانی دوره باستان در این داستان وجود دارد. به همین دلیل بسامد این ابزار و وسایل زیاد است. می‌توان به مجلس بزم و میخواری کشور، فغور، گلندام، نوشاد، بهرام و پدرش می‌توان اشاره کرد. در چنین مجالس شادخواری از وسایلی استفاده می‌شده است.

صراحی: «قسمی ظرف شیشه‌ای یا بلورین با شکمی متوسط و گلوگاهی تنگ و دراز که در آن شراب یا مسکری دیگر کنند و در مجلسی آرند و از آن در پیاله و جام و قح ریزند.» (معین، ۱۳۸۲: ذیل مدخل صراحی)

صراحی‌های زرین بود سیمین مرصع جام و نقل مجلس آیین

(صافی، ۱۳۸۶: ۴۷)

موارد دیگر: جام، ساغر، قح.

ابزار و وسایل شکار و جنگ



هرچند منظومه بهرام و گلندام در دسته‌بندی منظومه‌های عاشقانه قرار دارد، اما ویژگی‌های حماسه و رزم با صلابت و شکوه در آن دیده می‌شود و شاعر آن‌چنان به زیبایی این میادین رزم را توصیف و به تصویر کشیده است، یادآور توصیفات حماسه‌های فردوسی است که بی‌تردید تأثیر شاهنامه را به عیان می‌توان دید. از جمله می‌توان به لشکرکشی بهزاد و نوشاد به سرزمین چین، مبارزه بهرام با نوشاد و بهزاد، مبارزه بهرام با جنیان اشاره کرد. با توجه به صحنه‌ها و میدان‌های جنگی، ابزار جنگی در این داستان از بسامد بالایی برخوردار است.

اسپر: همان سپر است. «آلتی فلزی یا چرمی که در قدیم به هنگام جنگ برای دفاع، سر یا اعضای بدن را بدان می‌پوشانند تا ضربت شمشیر و نیزه دشمن به بدن اصابت نکند.» (معین، ۱۳۸۲: ذیل مدخل سپر)

کمان و ترکش و شمشیر و خنجر سنان و گرز و اسپر درع و مغفر

(صافی، ۱۳۸۶: ۸۷)

موارد دیگر: پیکان، ترکش، تیر، تیغ، جوشن، خفتان، خدنگ، خنجر، خود، درع، رمح، زره، زوبین، سنان، شمشیر، کمان، کمند، کرنا، کوپال، گرز، مغفر، ناوک، نیزه.

احجار کریمه

در بررسی منظومه بهرام و گلندام، امین‌الدین صافی بسامد سنگ‌های قیمتی به دلیل استفاده و کاربردشان زیاد است.

عقیق: «یکی از انواع کالسیدونی است که اغلب به صورت توده‌ای با لایه‌هایی از رنگ‌های گوناگون یافت می‌شود و مشهورترین نوع کالسیدونی می‌باشد. سختی فوق‌العاده و زیبایی رنگ‌ها در آن، آن را به سنگی مورد علاقه عموم تبدیل کرده است. عقیق به رنگ‌های آبی و سبز نیز دیده می‌شود.» (ادیب، ۱۳۹۰: ۱۲۶)

گهی از لعل او شکر گرفتی عقیقش گاهی از گوهر گرفتی

(صافی، ۱۳۸۶: ۱۹۵)

موارد دیگر: در، گوهر، لعل، لولو، مرجان، مرمز، مروارید، یاقوت.

البسه و منسوجات



در داستان بهرام و گلندام امین‌الدین صافی به لباس و نوع پوششی که متأثر از دوره حیات شاعر است اشاره شده است. که در دو دسته لباس و سایر پارچه‌ها وجود دارد.

ردا: «جامعه‌ای که روی جامه‌های دیگر پوشند؛ جبه، بالاپوش.» (معین، ۱۳۸۲، ذیل مدخل خرّقه) «ردا به طور اعم به معنای هر نوع لباس رو است.» (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۲۷)

دو در شاه‌وارش حلقه در گوش

نهاده آن ردای زر ابردوش

(صافی، ۱۳۸۶: ۱۹۳)

نقاب: «پارچه‌ای که به وسیله آن روی خود را پوشانند. مخصوصاً زنان آن را به کار بندند.» (معین، ۱۳۸۲، ذیل مدخل نقاب)

دو صد عاشق به یک دم جان بدادی

نقاب از رخ اگر یک دم گشادی

(صافی، ۱۳۸۶: ۵۶)

موارد دیگر: قبا، عمامه، شلوار، پیرهن.

عطریات

عطر زدن و به کار بردن بوی خوش سنت پیامبر (ص) است. ایشان نیز مردم را به استفاده از بوی خوش سفارش می‌کردند. فضیلت‌ها و خواص فراوانی برای بوی خوش وجود دارد که علم هم آن‌ها را ثابت کرده است. از جمله این که عطر به سبب مواد تشکیل‌دهنده‌اش اثرات مختلفی روی سیستم مغزی می‌گذارد، بوی خوش، عقل و هوش و قلب انسان را تقویت می‌کند و موجب آرامش و تسکین انسان می‌شود. به همین لحاظ توصیه شده همیشه هنگام عبادت از بوی خوش استفاده کنند.

در منظومه بهرام و گلندام، امین‌الدین صافی، عطر و وسایل خوشبو کننده وجود دارند.

عبیر: «نوعی خوشبوی مرکب از مشک، گلاب، صندل، زعفران و غیره.» (معین ۱۳۸۲: ذیل مدخل عبیر)

کفن کرد از کتان و از حریرش

بیفشاندند کافور و عبیرش

(صافی: ۱۸۱)

موارد دیگر: عود، عنبر، کافور، گلاب، مشک.



موسیقی: موسیقی بخش جداناپذیر زندگی بشری در طول تاریخ، بعد از زبان مهم‌ترین پایه فرهنگی اقوام مختلف است. در منظمه بهرام و گلندام انواع ابزار و آلات موسیقی وجود دارد. از آن جا که شاعر، یک شاعر درباری بوده و در آن دوران موسیقی خاصه دربار بوده است، بنابراین اطلاعات کافی از موسیقی و مجالس درباری داشته و به شیوه‌ای زیبا این ابزار را به کار برده است. شواهد شعری در این باب وجود دارد.

ارغنون: نوعی ساز که گویند افلاطون اختراع کرده و بیش‌تر نصرانیان و رومیان نوازند. در اسکندرنامه نظامی در «آغانی ساختن افلاطون» شرح کامل ساختن و نواختن این ساز آمده است. (اطرانی، ۱۳۷۱: ۶)

یکی دیگر رباب و دف گرفته

یکی را ارغنون در کف گرفته

(صافی، ۱۳۸۶: ۷۲)

موارد دیگر: بربط، چنگ، دف، رباب، رود، طنبور، عود، موسیقار، نای، نی.

مولفه‌های فرهنگی در منظومه کردی بهرام و گلندام، مام احمد لطفی

آداب و رسوم

آداب و رسوم یکی از نموده‌های فرهنگی است که در منظومه کردی بهرام و گلندام به دو نوع آداب و رسوم اشاره شده است.

شادیانه: یکی از مراسمی است که به هنگام تولد فرزند انجام می‌گیرد. در این مراسم حیوانی یا با توجه به وسیله مالی، چندین حیوان را قربانی و گوشت آن را در بین مردم و علی‌الخصوص مستمندان توزیع می‌کنند.

حه و جار نو گامیش ده‌گهل سه‌ت مه‌ری

له ده‌ر کی مز‌گه‌وت پاکیان سه‌ر بری

خیراتی شایه، شادیانه‌ی کوری (فتاحی قاضی، ۱۳۴۷: ۲۸)

(هفت بار نه گامیش با صد رأس گوسفند

همه رو جلو درب مسجد سر بریدند



خیرات شاه است به شادمانی تولد پسر م (بهرام)

گویزه‌بانه: «سور تولد نوزاد به نیت برخورداری او از نعمت گوش و زبان» (شرفکندی، ۱۳۷۶)

گویزه‌بانه همان جشن و مراسمی است در راستای شادبانه که به مناسبت نامگذاری نوزاد تازه به دنیا آمده در روز هفتم برپا می‌کنند. در این مراسم معمولاً از هر خانواده یک نفر دعوت می‌شوند. یک روحانی هم در این مراسم حضور دارد که بعد از صرف شام، نوزاد را به مجلس آورده و روحانی در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه می‌خواند و نامی را که برای نوزاد انتخاب شده است را اعلام می‌کند.

مه‌لای بانگ کردن بو گویزه‌بانه

زیر و زیوی شا زور فراوانه (فتاحی قاضی، ۱۳۴۷: ۲۸)

(روحانی را برای مراسم نامگذاری فراخواند

زر و سیم شاه فراوان است)

ابزار شکار و جنگ

به‌یداغ: «پارچه‌ای با شعار و علامت گروه و قوم و پرچم.» (شرفکندی، ۱۳۷۶: ذیل مدخل «به‌یداغ»)

من له‌گهل تومه نئری شه‌هریار پویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به‌یداغ و تانجت بیی به‌رقه‌رار (فتاحی قاضی، ۱۳۴۷: ۱۰۲)

(روی سخنم باتوست ای شهریار

بیرق و تاجت برقرار باد)

خنجر: خنجر از دیگر ابزار جنگی است که وفا از آن استفاده کرده است و راوی این چنین به توصیف آن می‌پردازد.

خنجر، جزو اسلحه سرد محسوب می‌گردد. یک وسیله برای دفاع شخصی و در جنگ هم از آن استفاده می‌شود.



حه‌وسهت که‌س راوه‌ستان هه‌مووی عومر به‌ر

پاکی ده‌ستی نا له سه‌ر گوی خه‌نجه‌ر (فتاحی قاضی، ۱۳۴۷: ۸۰)

(هفتصد نفر همه فرمانبردار ایستاده‌اند

همه آن‌ها دست‌شان روی قبه خنجر است)

رمب: «نیزه بلند» (شرف‌کندی، ۱۳۷۶، ذیل مدخل «رمب»)

سه‌قاوی زیره، گشت سه‌ده‌ف کاره

رمبی بی‌روحمی له شانی دیبیاره (فتاحی قاضی، ۱۳۴۷: ۹۵)

(زینتش از طلا، تمام صدف کار است

نیزه بی‌رحمی در شانه‌اش پیدا‌ست)

قه‌داره: «قداره، حربه‌ای ست شبیه شمشیر، تیغه آن پهن و راست.» (همان: ۲۰۳)

«معر، کتاره، غداره. پیکان بزرگ شکاری و آن را به شکل بیل سازند. حربه‌ای شبیه شمشیر که پهن و سنگین

است. پیکان، نیزه.» (معین، ۱۳۸۲)

قه‌داره و قه‌لغان، نیزه‌ی ژه‌هراو دار

ئه‌و حازری کرد چون شیری شکار. (فتاحی قاضی، ۱۳۴۷: ۶۰)

(قداره و سپر، نیزه زهرآلود

آن‌ها را مانند شیر شکار آماده نمود.)

احجار کریمه: به معرفی و توصیف سنگ‌های قیمتی و باارزش که در منظومه بهرام و گلندام آمده‌اند، اشاره می‌کنیم.

بیجاده: سنگ جوهری است چون لعل و یاقوت و تمیز آن‌ها از هم بسیار مشکل است. از دوران باستان مورد توجه ایرانیان بوده و فردوسی نیز در شاهنامه به کرات به آن اشاره کرده است.



به چنگ آمدش چندگونه گهر

چو یاقوت و بیجاده و سیم و زر

معدن بیجاده در زمین مشرق در کوه راهون است و معدن دیگر میان رخان و شکنان در حدود بدخشان... ابوریحان آورده است: کی در خزینه شمس‌الدوله بیجاده دیدم به غایت رنگین سرخ.

در حدودالعالم آمده است که معدن بیجاده بدخشی و لعل اندر کوه سنگلج است. در برخی منابع آن را با لعل یکی دانسته‌اند.» (غیبی، ۱۳۹۰: ۶۹)

به قیمهت گرانی، بیجاده و دورری

نه که‌ی وهک بالدار له دلم هه‌لفری. (فتاحی قاضی، ۱۳۴۷: ۷۲)

(از ارزش بالایی برخوردار، مانند بیجاده و در گرانها هستی

نکند مانند مرغ بالدار از دستم پرواز کنی.)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش نگارنده به این نتیجه رسید که مردم‌شناسی فرهنگی در منظومه بهرام و گندام در ادب کلاسیک فارسی و ادبیات عامیانه کُردی در مباحث مختلف و متنوع فرهنگ مادی و معنوی نمود پیدا کرده است. شباهت‌ها و تفاوت‌های مردم‌شناسی فرهنگی در منظومه مورد بحث را می‌توان در ابعاد مختلف مردم‌شناسی فرهنگی از قبیل آداب و رسوم، پوشاک و زبان و گویش، باورهای عامیانه، علوم متداول عصر، طبقات اجتماعی و ... مشاهده کرد.

دلایل مختلفی مانند اشتراک خاستگاه، زبان، فرهنگ، نژاد، ناخودآگاه جمعی و ... می‌تواند در اشتراکات بین این منظومه در ادب فارسی و ادب کُردی موثر باشد.

یافته‌های تحقیق نشان داد که بیش‌تر مولفه‌های مردم‌شناسی در این منظومه نمود پیدا کرده و میزان شباهت‌ها نسبت به تفاوت‌ها بیش‌تر است و این نشان‌دهنده بینامتنیت بین منظومه فارسی و کُردی است. دیگر آن که روایت کُردی داستان، هر چند در کلیات، مضمون و مفهوم، مطابق با روایت‌های فارسی هم نام مذکور است، اما هم در قالب و فرم و هم در محتوا به ویژه تغییرات در شخصیت‌ها، تفاوت‌هایی دارند که نشان از دگردیسی، تأثیرات و تحولات فرهنگ عرفانی، حماسی و غنایی در دوره‌های گوناگون است.



در کل می‌توان گفت: مام احمد لطفی یکی از راویان این داستان‌ها به صورت فولکلوریک (ادبیات شفاهی) «بیت گردی» است که به تأثیر از داستان مذکور آن‌ها را به شیوه‌های مبتکرانه و با استفاده از ذوق و استعداد خدادادی خویش به صورت منظوم و موثر به زبان گردی، روایت کرده است. اما به لحاظ مردم‌شناسی و جامعه‌شناختی، تلفیقی بین عرفان و حماسه و عشق نویسندگان فارسی و اعتقادات دوره و جغرافیای راوی در آن نمایان است و دیدگاه‌های متفاوت دیده می‌شود.





منابع

- ادیب، داریوش، (۱۳۹۰)، گوهرهای شگفت‌انگیز، چاپ اول، تهران، پازینه
- اطرانی، ارفع، (۱۳۷۱)، فرهنگ موسیقی ایرانی، چاپ دوم، تهران، چنگ
- بلوکباشی، علی، (۱۳۹۱)، در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن، چاپ سوم، تهران، گل‌آذین
- پورایه، ژان، (۱۳۸۴)، درآمدی بر تاریخ مردم‌شناسی، ترجمه پرویز امینی، چاپ یکم، قم، ماه حرا
- ترابی، علی‌اکبر، (۱۳۵۲)، مردم‌شناسی، چاپ دوم، تبریز، علمیه
- شرفکندی، عبدالرحمن، (۱۳۷۶)، هه‌نبانه‌بورینه، فرهنگ کردی-فارسی، چاپ دوم، تهران، سروش
- صافی، امین‌الدوله، (۱۳۸۶)، بهرام و گندام، تصحیح حسن ذوالفقاری، تهران، چشمه
- غیبی، مهرآسا، (۱۳۹۰)، تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی، تهران، هیرمند
- فتاحی قاضی، قادر، (۱۳۴۵)، منظومه کردی مهر و وفا، تبریز، انتشارات دانشکده ادبیات تبریز
- گاربارینو، مروین، (۱۳۷۷)، نظریه‌های مردم‌شناسی، ترجمه عباس محمدی اصل، تهران، آوای نور
- معین، محمد، (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی، جلد یکم، تهران: بهزاد
- هاشمی، سیدمحمد کاظم، (۱۳۸۰)، بازتاب مفاهیم فرهنگی و اجتماعی در هفت اورنگ جامی، پایان‌نامه کارشناسی، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.



Comparative analysis of cultural anthropology in Bahram and Glendam system in Persian classical literature and Kurdish folk literature

Neda Yanes¹, Ebrahim Rahimi Zanganeh²

Abstract

It is obvious that the lyrical verses of Persian poetry represent the most cultural patterns and signs of civilization. Examining these stories from the perspective of cultural anthropology (whose main foundations are popular culture) is a new approach to them and introduces researchers to two options: one is to investigate people's culture in the content of the stories and Another cultural influence is the narrator according to the culture in which he was raised, and this applies to all the stories that have different narrators. In this research, the various literary and cultural knowledge hidden in the Kurdish popular literature "Beit" will be compared and analyzed with the classical Persian literature systems, especially where the structure and content of these works are related to the principles of storytelling. If it matches, it can be a valuable work in the field of cultural anthropology studies. This research describes and analyzes the cultural components from an anthropological point of view in the poem "Bahram and Gulendam" in Persian classical literature and Kurdish folk literature narrated by Mam Ahmed Lotfi. To achieve this goal, descriptive-analytical method has been used. The findings indicate that most of the anthropological components have appeared in this system, and the amount of similarities is greater than the differences, and this indicates the intertextuality between the Persian and Kurdish systems. Another is that the Kurdish narrations of the story, although in terms of generality, theme and concept, are in accordance with the Persian narrations of the same name, but both in form and content, especially the changes and transformations of mystical, epic and lyrical culture. It is in different periods.

Keywords: cultural anthropology, Persian literature, Kurdish literature, Bahram and Glendam system

¹ . Postdoctoral student, Razi University, Kermanshah, Iran. (corresponding author)

Neda.yans.2016@gmail.com

² . Associate Professor of Persian Language and Literature Department, Razi University, Kermanshah, Iran